

## پیش بینی قلدری بر اساس سبک فرزندپروری ادراک شده با میانجی گری خودپنداره در دانش آموزان

نسبیه شیرکوند<sup>۱</sup>، دکتر مالک میرهاشمی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، پیش بینی قلدری بر اساس سبک فرزندپروری ادراک شده با میانجی گری خودپنداره در دانش آموزان است. مطالعه حاضر توصیفی و از نوع همبستگی و روش مدل یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری دانش آموزان مقطع دوم متوسطه مشغول به تحصیل در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بود. تعداد افراد نمونه جمعاً ۲۹۰ دانش آموز بود که با روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه فرزند پروری ادراک شده گرولینک (۱۹۹۷)، پرسشنامه خودپنداره راجرز (۱۹۷۷) و مقیاس قلدری ایلی نویز (۲۰۰۱) بودند. برای تحلیل داده ها از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج آزمون آماری نشان داد شاخص های برازش مدل پژوهش در وضعیت مطلوبی قرار داشت. همچنین متغیر فرزندپروری ادراک شده بر قلدری هم اثر مستقیم و هم اثر غیرمستقیم (به واسطه ی خودپنداره) داشت ( $p < 0.05$ ). همچنین خودپنداره بر قلدری به صورت مستقیم اثر می گذارد ( $p < 0.05$ ). نتایج پژوهش حاضر لزوم توجه به سبک فرزندپروری ادراک شده به عنوان متغیر خانوادگی در پیش بینی رفتارهای قلدری در دانش آموزان را در سطح مدارس کشور مورد تایید قرار داد.

**واژگان کلیدی:** قلدری، فرزندپروری ادراک شده، خودپنداره

---

<sup>۱</sup>. دانش آموخته دکتری، گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی.

<sup>۲</sup>. دانشیار گروه روانشناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی (نویسنده مسئول).

امروزه، مدارس با نگرانی فزاینده‌ای در مورد بروز اختلال‌های رفتاری از نوع خشونت، مسایل انضباطی، زور گویی و رفتارهای تخریب‌گرانه و گستاخانه از سوی دانش‌آموزان مواجه‌اند. نوجوانانی که مشکلات رفتاری دارند اغلب عملکرد تحصیلی ضعیف‌تری داشته و از سوی همسالان طرد می‌شوند این قبیل افراد معمولاً در آینده به رفتارهایی جنایی، سوء استفاده از الکل و غیره روی می‌آورند (شو<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از اختلال‌های رفتاری، قلدری در مدرسه است. قلدری نوعی پرخاشگری همسالان است که معمولاً در مدارس رخ می‌دهد و به نظر می‌رسد که پدیده‌ای جهانی است تقریباً می‌توان در همه کلاس‌های درس مدارس آن را مشاهده کرد. قلدری را می‌توان به عنوان عمل منفی عمدی تعریف کرد که با هدف وارد آوردن صدمات فیزیکی و یا روان‌شناختی به دانش‌آموزان دیگر که ضعیف‌تر هستند و نمی‌تواند از خود دفاع کنند انجام می‌گیرد (گرت<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). نتیجه تازه‌ترین تحقیقات زمینه‌یابی، میزان شیوع قلدری را در بین دانش‌آموزان کشورهای مختلف قریب به پنجاه درصد گزارش می‌کند که نسبت به آمارهای ارائه شده قبلی رشد قابل‌توجهی داشته است به طوری که براساس یک پژوهش زمینه‌یابی در دانش‌آموزان کلاس ششم تا دهم ایالات متحده آمریکا، حدوداً ۲۹٪ دانش‌آموزان به طور متوسط یا بیش از آن درگیر قلدری بوده‌اند (هالتیگان<sup>۳</sup> و ویلانکورت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۴). قلدری در مدرسه به طور گسترده به عنوان یک مشکل شخصی، اجتماعی و آموزشی جدی در نظر گرفته شده است که بخش قابل‌توجهی از دانش‌آموزان مدرسه را تحت تاثیر قرار داده است. به همان اندازه که مدرسه مسئولیت فراهم کردن یک محیط سالم برای دانش‌آموزان را بر عهده دارد تا آن‌ها مشارکت سازنده در جامعه را یاد بگیرند، مهار موثر مشکل قلدری نیز برای مدرسه در اولویت بالایی قرار دارد (دی<sup>۵</sup>، اسنپ<sup>۶</sup> و راسل<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶).

از جمله سوال‌های مهم این است که چرا نوجوانان درگیر رفتارهایی نظیر قلدری می‌شوند؟ بر اساس الگوی تعاملی شخص، فرآیند، بافت و زمان در نظریه سیستمی زیستی-بوم‌شناسی، رشد کودکان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها علاوه بر الگوهای زیستی از تعاملات روزمره نیز تاثیر می‌پذیرد (روداسیل<sup>۸</sup>، گالاگر<sup>۹</sup> و وایت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). والدین اولین کسانی هستند که با کودک ارتباط برقرار می‌کنند و تاثیرگذارترین برخوردها و تعاملات را در شکل‌گیری ساختار زندگی آینده‌ی کودک دارند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۹۹۰؛ ترجمه حسین شاهی و نقشبندی، ۱۳۹۳). اندیشمندان دریافته‌اند که ادراک کودکان از این نوع تعاملات بسیار مهم‌تر از تجربه‌ی عملی چنین تعاملاتی است (لی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۰). شواهد تجربی نیز اهمیت نقش باورها و ادراکات فردی را در سلامت، بیماری روانی، احساس خطر و خشونت و بروز قلدری و تشدید آن را بر حسب ادراک از محیط خانواده مورد تاکید قرار می‌دهد (وینکه توتورا<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس الگوی بامریند و شیفر،

<sup>۱</sup> Shaw

<sup>۲</sup> Grant

<sup>۳</sup> Haltigan

<sup>۴</sup> Vaillancourt

<sup>۵</sup> Day

<sup>۶</sup> Snapp

<sup>۷</sup> Russell

<sup>۸</sup> Rudasill

<sup>۹</sup> Gallagher

<sup>۱۰</sup> White

<sup>۱۱</sup> Wienke Totura

دو محور اساسی در رفتار و تعاملات والدین در ارتباط با فرزندان وجود دارد: محبت و کنترل. تحقیقات نشان می دهد محبت و پذیرش والدین بر رشد شخصیت، نگرش و ادراک نوجوانان تاثیر می گذارد. این بعد به چگونگی ابراز محبت و پاسخگویی والدین نسبت به فرزندان اشاره دارد (دارلینگ و آستینبرگ، ۱۹۹۳؛ به نقل از حسین چاری، دلاور پور و دهقانی، ۱۳۸۶) و مشتمل بر گرمی و سردی تعاملات والد-فرزند است. بعد کنترل اشاره به درجه ی استقلال و آزادی دارد که والدین برای فرزندان خود قائل هستند. کودکانی که مورد بی توجهی و بدرفتاری والدین خود قرار می گیرند، در زندگی آینده ی خود دچار مشکلات رفتاری و روانی گوناگونی می شوند. از ترکیب این دو بعد، چهار سبک فرزند پروری مقتدرانه، مستبدانه، سهل گیر و کناره گیر ایجاد می شود که سه سبک اخیر شیوه های فرزند پروری ناکارآمد محسوب می شود (گنتری، ۲۰۰۷؛ ترجمه بیرامی و علائی، ۱۳۹۰). تحقیقات نشان داده اند که شیوه های فرزندپروری مستبدانه، سلطه گرانه و متناقض به رفتارهای قلدری منجر می شود (احمد و بریس ویت، ۲۰۰۴). سابقه ی سوء استفاده و خشونت فیزیکی کودک در محیط خانه با رفتارهای قلدری او در مدرسه مرتبط است (داسیچ<sup>۱</sup> و میکویا<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷) و در میان دختران از پیش بینی کننده های قوی قلدری محسوب محسوب می شود (لی، ۲۰۱۰). ریگی (۲۰۱۶) نشان داده است که فرزندپروری نامناسب یکی از عوامل تعیین کننده ی موثر در رفتار قلدری است. علاوه بر این کودکانی که به عنوان قلدر یا قربانی شناسایی شده اند والدیشان را به صورت اقتدار گرا، تنبیه کننده و غیر حمایتی توصیف کرده اند. نتایج پژوهش نشان داد که کودکان درگیر در قلدری، صرف نظر از نقش شان (قربانی/ قلدر یا قلدر/ قربانی) متعلق به خانواده هایی هستند که شیوه ی فرزندپروری مستبدانه در آن حکم فرماست.

از سویی یکی از مؤلفه های اثرگذار بر قلدری، خودپنداره است. بر اساس نظریه خودپنداره که از جمله نظریات مرتبط با خودارزشیابی است، خودپنداره شبکه ای از عقاید و باورهای مثبت و منفی در مورد خود، پذیرش یا رد خود می باشد. خودپنداره تصویری است که فرد به هنگام تامل در مورد ویژگی های خودش مشاهده می کند. اما خود پنداره، تنها به آنچه که فرد درباره خودش می بیند خلاصه نمی شود و آن چه را که فرد احساس می کند، دیگران در مورد او می بینند، در بر می گیرد. بنابراین خودپنداره از قضاوت های واقعی تا تصویر شده دیگران و به ویژه افراد مرتبط در محیط های اجتماعی هم شکل می گیرد (جالاجاس<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹). کوپر اسمیت و فولدن، خودپنداره را متشکل از این موارد می دانند؛ باور و پندار فرد نسبت به خودش، نگرش او نسبت به خود در مورد این که چگونه فردی است، چه ویژگی هایی دارد و نیز نگرش فرد نسبت به ویژگی های برجسته خودش (رنجر کهن، ۱۳۸۶).

چنین بنظر می رسد که با شناخت و درک عمیق تر از چگونگی ارتباط ویژگی های روانشناختی و قلدری در دانش آموزان، می توان گام هایی را برای شناخت هر چه بیشتر این پدیده ی شایع برداشت. بایستی توجه داشت که دانش آموزان در جامعه، عنصری مهم تلقی می شوند که به تبع کاهش سلامت روانی آنان تأثیرات سوئی بر کل اعضای جامعه خواهد گذاشت (قربانی و علائی، ۱۳۹۶). با عنایت به آمار بالای قلدری در میان دانش آموزان و مشکلات متعدد آنان و با در نظر گرفتن اهمیت مفاهیم سبک فرزندپروری و خودپنداره و نقش هر کدام از این متغیرها در قلدری، محقق را بر آن داشت تا به پژوهش در این زمینه بپردازد. از آن جایی که تحقیقی در خصوص ارتباط متغیرهای مذکور به طور همزمان صورت نگرفته، خلاء پژوهشی در این حوزه احساس می شود. از این رو مدل پیشنهادی ضمن غنا

---

<sup>۱</sup> Dussich  
<sup>۲</sup> Maekoya  
<sup>۳</sup> Jalajas

بخشیدن به دانش موجود در زمینه تاثیر عوامل خانوادگی، مدرسه ای و ویژگی های شخصیتی بر قلدری دانش آموزان، می تواند فراهم کننده ی زمینه لازم برای طراحی و اجرای برنامه های مداخله ای جهت ارتقاء رفتارهای سالم در دانش آموزان باشد. لذا پژوهش حاضر با درک اهمیت و وجود خلاء پژوهشی، مشاهده های مکرر در مدارس و مراجعه و شکایت دانش آموزان قربانی، بدنبال پاسخگویی به این سوال است که مدل پیش بینی قلدری بر اساس سبک های فرزندپروری ادراک شده با میانجی گری خودپنداره در دانش آموزان مقطع متوسطه از برازش مطلوبی برخوردار است؟

## روش پژوهش

این پژوهش از نوع طرح مقطعی- همبستگی می باشد. با توجه به اینکه هدف پژوهش حاضر آزمون مدل نظری ارائه شده است، پژوهش در زمره ی پژوهش های معادلات ساختاری قرار می گیرد. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل دانش آموزان مقطع متوسطه مشغول به تحصیل در مقطع دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۹۸ بود. روش نمونه گیری در پژوهش حاضر روش خوشه ای بود. بدین صورت که از بین مدارس، ۶ مدرسه (سه مدرسه ی دخترانه و سه مدرسه ی پسرانه) به تصادف انتخاب شد. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش بین در تحلیل معادلات ساختاری بنا به توصیه محققان (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۱). حجم نمونه باید حداقل ۱۰ برابر تعداد متغیرها به اضافه ۵۰ باشد. در پژوهش حاضر در مجموع ۲۱ متغیر مشاهده شده وجود دارد ( $260 = 10 + 50 * 21$ ). بنابراین حداقل ۲۶۰ نمونه مورد نیاز است. در این مطالعه برای جلوگیری از افت آزمودنی ها تا ۳۰۰ نفر افزایش داده شد.

## ابزار پژوهش

**پرسشنامه فرزند پروری ادراک شده گروپینک:** این پرسشنامه توسط گروپینک و همکاران (۱۹۹۷) تدوین شده است. این مقیاس دارای دو نسخه نوجوانان و دانشجویان است. مقیاس برای استفاده آزمودنی هایی که در سالهای پایانی نوجوانی یا کمی بزرگتر هستند طراحی شده است و دارای ۴۰ گویه، ۲۰ گویه برای مادر و ۲۰ گویه برای پدر می باشد. (گویه ها در دو نیمه برای مادر و پدر تکرار شده اند). پرسشنامه فرزند پروری ادراک شده، ۶ خرده مقیاس را می سنجد. خرده مقیاس گرمی برای هر یک از والدین دارای ۶ عبارت، درگیری ۵ عبارت و حمایت از خودمختاری ۹ عبارت می باشد. پاسخ دهی به سوالات پرسشنامه سبک فرزندپروری ادراک شده بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه ای می باشد. آزمودنی ها بر اساس مقیاس لیکرت هفت درجه ای، میزان موافقت یا مخالفت خود را با هر یک از گویه ها گزارش می دهند. کمترین نمره و بیشترین نمره ای که هر فرد در این مقیاس می تواند بگیرد ۴۰ و ۲۸۰ می باشد. این مقیاس شامل خرده مقیاسهای درگیری مادر، درگیری پدر، حمایت مادر از خودمختاری، حمایت پدر از خودمختاری، گرمی مادر و گرمی پدر می باشد. پایایی این مقیاس در منبع اصلی با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ می باشد و در نسخه فارسی ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاسها به ترتیب برابر با ۰/۸۷، ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۸۸، ۰/۸۴ و ۰/۹۳ و برای کل مقیاس ۰/۸۳ به دست آمده است. نتایج تحلیل عاملی با چرخش وارپانس نشان داد که فقط ۴۰ عبارت با نسخه اصلی هماهنگ بوده و زیر شش عامل بار می شوند (تنها، ۱۳۸۸). همچنین

کارشکی(۱۳۸۷) با استفاده از آلفای کرونباخ، پایایی کلی مقیاس را ۰/۹۳ و برای زیر مقیاس درگیری ۰/۶۴، حمایت از خودمختاری ۰/۸۴ و برای گرمی ۰/۸۳ گزارش کرده است.

**پرسشنامه خودپنداره ۵:** این پرسشنامه در سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۵۷ توسط کارال را جرز به منظور سنجش میزان خویشتن پنداری افراد تهیه شده است. پرسش نامه خودپنداره دارای شش بعد جداگانه و ۴۸ گویه است. شش بعد یعنی خودپنداره، جسمانی، اجتماعی، عقلانی، اخلاقی، آموزشی و خلق و خو. همچنین از مجموع آنها نمره خودپنداره کلی به دست می-آید. ۱. جسمانی: تصور فرد از بدن، سلامت، ظاهر جسمانی و قدرت بدنی خودش؛ اجتماعی: احساس ارزش شخصی در تعامل های اجتماعی؛ ۳. خلق و خو: تصور فرد از حالت عاطفی معمول یا تسلط نوع خاصی از واکنش عاطفی. ۴. آموزش: تصور فرد از خود در ارتباط با مدرسه، معلمان و فعالیت های فوق برنامه؛ ۵. اخلاقی: تخمین فرد از ارزش اخلاقی خود؛ کارهای درست و نادرست. ۶. عقلانی: آگاهی فرد از هوش و استعداد حل مسأله و داوری های خودش. پاسخگو پنج انتخاب دارد و باید طبق توصیف خود-پنداره خویش از حداکثر قبول تا حداقل آئی یکی را انتخاب نماید. انتخاب ها یا پاسخ ها به ترتیبی هستند که نظام نمره گذاری برای کلیه سوالات یکسان می ماند، یعنی ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ اعم از اینکه سؤال مثبت یا منفی باشد. پایایی پرسشنامه با روش آزمون - آزمون مجدد به دست آمد و برای نمره کل خود - پنداره ۰/۹۱ بود. ضریب پایایی ابعاد گوناگون از ۰/۶۷ تا ۰/۸۸ بوده است. برای تعیین روایی پرسش نامه از نظر متخصصین استفاده شده ۱۰۰ سؤال به ۲۵ روانشناس داده شد تا آنها را بر حسی موضوعات مختلف طبقه بندی کنند. سؤالاتی انتخاب شدند که حداقل ۰/۸۰ توافق درباره آنها وجود داشته است. به این ترتیب روایی محتوا و سازه پرسشنامه تعیین گردید.

**مقیاس قلدری:** ایلی نویزاسپلیج و هالت در سال ۲۰۰۱ پرسشنامه قلدری ایلینویز (IBS) را طراحی کردند. این پرسشنامه ۱۸ سوال داشته و هدف آن ارزیابی میزان قلدری دانش آموزان از ابعاد مختلف (قلدری، زد و خورد، قربانی) می باشد. این پرسشنامه دارای ۳ بعد (قلدری، زد و خورد و قربانی) بوده و طیف نمره گذاری آن بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه ای می باشد. در پژوهش چالمر (۱۳۹۲) روایی و پایایی این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. برای تعیین روایی همزمان مقیاس، همبستگی ابعاد مقیاس قلدری با پرسشنامه پرخاشگری بکار رفت که حاکی از همبستگی مطلوبی بود. به منظور محاسبه پایایی آن از روش ضریب آلفای کرونباخ و روش دو نیمه کردن آزمون استفاده گردید. نتایج آزمون کرونباخ و دو نیمه کردن برای کل مقیاس و خرده مقیاس ها بین ۰/۶۲ تا ۰/۹۰ بدست آمد که نشانگر پایایی خوب این ابزار می باشد.

### یافته های پژوهش

تحلیل داده های جمعیت شناختی نشان داد حدود ۷۶ درصد از نمونه تحقیق را دانش آموزان دختر و حدود ۲۴ درصد را دانش آموزان پسر تشکیل می دهند. همچنین میانگین سنی دانش آموزان شرکت کننده در تحقیق حاضر برابر ۱۵/۳۶ با انحراف معیار ۰/۸۷ است. یافته های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱/ شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در کل نمونه (n=۲۹۰)

متغیر	تعداد سوال	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی	حداقل	حداکثر
قدری	۹	۱۴/۷۷	۵/۳۲	۰/۸۴	۰/۴۹	۹	۴۱
زد و خورد	۵	۹/۲۱	۳/۵	۰/۳	-۰/۴۱	۵	۲۵
قربانی	۴	۵/۹	۲/۴۷	۰/۸۵	-۰/۲۱	۴	۱۸
نمره کل قدری	۱۸	۲۹/۸۹	۹/۲۶	۰/۷۷	۰/۶۵	۱۸	۸۱
جسمانی	۸	۲۹/۱۰	۴/۵۸	۰/۰۶-	۰/۰۷-	۱۵	۴۰
اجتماعی	۸	۲۶/۳۳	۳/۶۶	۰/۱۱۳-	۰/۳۴-	۱۵	۳۶
خلق و خو	۸	۲۹/۰۷	۳/۹۶	۰/۲۶-	۰/۲۵	۱۸	۴۰
آموزشی	۸	۲۶/۳۲	۵/۰۵	۰/۱۹-	۰/۰۸	۸	۴۰
اخلاقی	۸	۲۹/۳۷	۳/۹۰	۰/۳۸-	۰/۰۹	۱۸	۳۹
عقلانی	۸	۲۷/۷۲	۳/۶۵	۰/۰۶-	۰/۲۳	۱۵	۴۰
نمره کل خودپنداره	۴۸	۱۶۷/۹۴	۱۵/۶۵	۰/۲۶-	۰/۹۲	۱۱۳	۲۲۳
درگیری پدر	۶/۰۰	۱۷/۲۱	۷/۸۱	۰/۶۵	۰/۰۱	۶/۰۰	۴۲/۰۰
گرمی پدر	۶/۰۰	۲۱/۹۴	۷/۹۲	۰/۴۹	۰/۲۰	۶/۰۰	۴۲/۰۰
حمایت پدر	۹/۰۰	۳۱/۰۶	۱۱/۰۱	۰/۳۲	-۰/۰۲	۹/۰۰	۶۳/۰۰
درگیری مادر	۶/۰۰	۱۹/۵۲	۶/۹۴	۰/۲۶	-۰/۰۷	۶/۰۰	۴۲/۰۰
گرمی مادر	۶/۰۰	۱۷/۴۶	۶/۹۶	۰/۴۷	-۰/۰۶	۶/۰۰	۴۰/۰۰
حمایت مادر	۹/۰۰	۲۹/۳۹	۸/۵۴	۰/۱۸	-۰/۱۲	۹/۰۰	۵۷/۰۰

مطابق داده‌های جدول شماره ۱ میانگین نمره کل متغیر قدری برابر با ۲۹/۸۹ با انحراف معیار ۹/۲۶ است. شاخص‌های کجی و کشیدگی هم در دامنه +۱ الی -۱ قرار دارند. لازم به ذکر است که در مورد این متغیر شاخص‌های کجی و کشیدگی بنابه ماهیت خاص این متغیر خارج از دامنه  $\pm 2$  بود برای حل این مشکل از تبدیل‌های آماری (تبدیل داده‌ها از طریق لگاریتم پایه ۱۰) استفاده شد و همانگونه که مشاهده می‌شود مقادیر این شاخص‌ها در دامنه مطلوب قرار گرفتند.

در این بخش در پی پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه "مدل تبیین قدری اساس سبک فرزندپروری ادراک شده با میانجی‌گری خودپنداره با داده‌های تجربی برازش دارد." از مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اموس بهره‌برده شده است. از آنجا که اساس مدلسازی بر پایه همبستگی بین متغیرها است در جدول ۲ ماتریس همبستگی بین متغیرها گزارش می‌شود.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

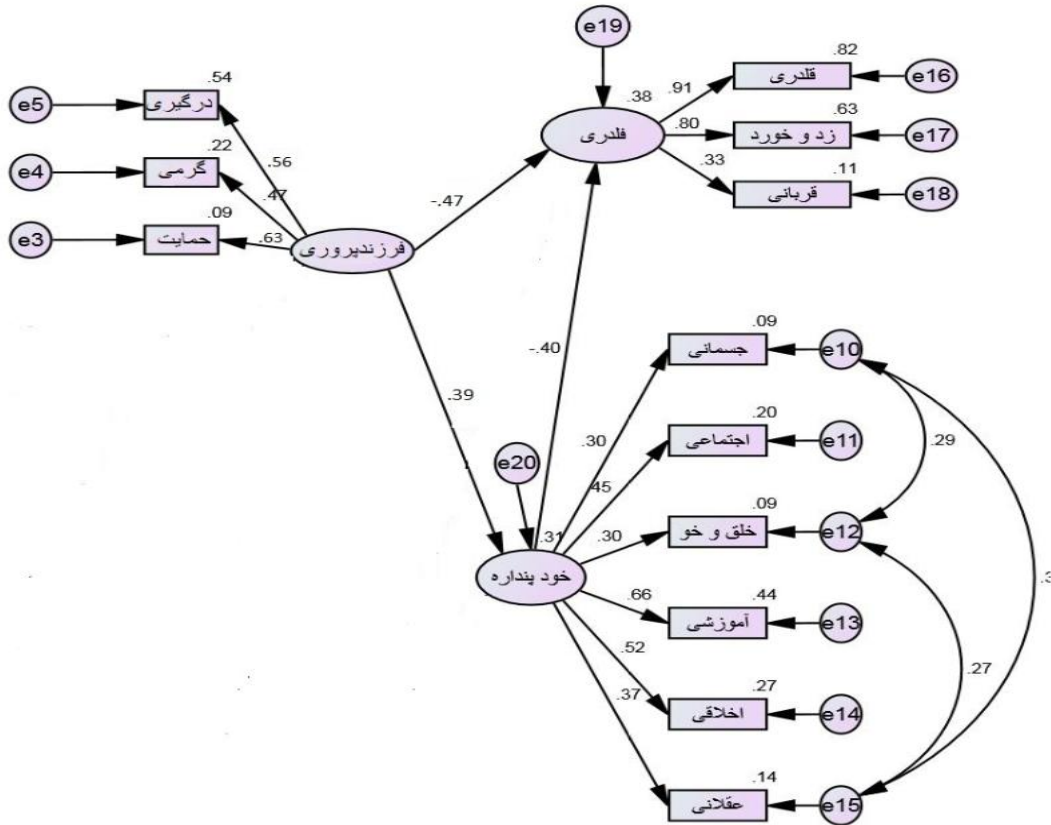
متغیرها	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
قدری (۱)	۱				
خودپنداره (۲)	۰/۳۹۳***	۱			
درگیری (۳)	۰/۲۵۳***	۰/۲۰۲***	۱		
گرمی (۴)	۰/۲۳۱***	۰/۱۷۳***	۰/۸۷۲***	۱	
حمایت (۵)	۰/۲۷۰***	۰/۲۱۹***	۰/۷۷۱***	۰/۷۶۸***	۱

\*\*\*P<۰/۰۱

براساس ضرایب گزارش شده در ماتریس همبستگی فوق، همه ضرایب بین متغیرهای اصلی پژوهش در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند.

میزان ضریب همبستگی متغیر وابسته اصلی یعنی قلدری با خودپنداره برابر ۰/۳۹- بوده و در سطح ۰/۰۱ معنادار هست.

نتایج مربوط به مدل نهایی پژوهش به همراه برخی از مهمترین شاخص های برازش مدل در شکل و جدول ارائه شده است.



شکل ۱. مدل ساختاری پژوهش با ضرایب استاندارد

به منظور اینکه مشخص شود مدل مفهومی تحقیق که در بالا نشان داده شد چقدر با داده های تجربی برازش یا مطابقت دارد از

یکسری شاخص های آماری به نام شاخص های برازش استفاده می شود. جدول شماره ۳ مقادیر شاخص های برازش مدل ساختاری

پژوهش حاضر را نشان می دهد:

جدول ۳. شاخص های برازندگی مدل

شاخص های برازندگی	$\chi^2/df$	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	RMSEA
مدل اولیه	۱/۸۸	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۹۱	۰/۰۵
مدل اصلاح شده	۱/۶۲	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۹۰	۰/۹۴	۰/۰۴
مقدار قابل قبول	زیر ۳	> ۰/۹۰	> ۰/۸۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	< ۰/۰۸

همانگونه که از داده های جدول شماره ۳ ملاحظه می شود همه شاخص ها در مدل اولیه پژوهش در دامنه مورد قبول قرار ندارند اما به دامنه مورد قبول بسیار نزدیک هستند. این حالت معمولاً در مدل سازی اتفاق می افتد و به همین دلیل نرم افزار AMOS در بخش شاخص های اصلاح پیشنهادهایی را برای اصلاح مدل ارائه می کند. با بررسی این پیشنهادها سه کواریانس خطا در سازه مربوط به خودپنداره به مدل اولیه اضافه شد و مجدداً برازش مدل انجام شد و در مدل اصلاح شده همه شاخص های برازش در دامنه مورد قبول قرار گرفتند بنابراین با توجه به این نتایج مدل ساختاری پژوهش با داده ها برازش دارد و فرضیه اصلی پژوهش تایید می شود. در جدول زیر معناداری ضرایب بین سازه های پنهان با مولفه های تشکیل دهنده آنها و همچنین معناداری ضریب مسیر بین سازه های پنهان ارائه شده اند:

جدول ۴. معناداری ضرایب غیراستاندارد مستقیم بین مولفه ها

از سازه	به	مولفه / سازه	مقدار بتا	خطا (S.E)	نسبت بحرانی (C.R)	سطح معناداری p
خودپنداره	<---	قلدری	-۰/۴۰	۰/۴۵	-۳/۳۱	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری	<---	قلدری	-۰/۴۷	۰/۱۸	-۳/۴۷	۰/۰۰۱
سبک فرزندپروری <-- خودپنداره	<---	قلدری	-۰/۱۶	۰/۱۴	-۲/۳۳	۰/۰۲

\*\*\* $p < ۰,۰۰۱$

مقادیر بحرانی در ستون ششم با عنوان (C.R) معادل آزمون t هستند و مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ نشان دهنده معناداری ضرایب مذکور هستند. همانگونه که مشاهده می شود اثر مستقیم استاندارد خودپنداره بر قلدری -۰/۴۰ است. آماره متناظر با این تاثیر نیز برابر -۳/۳۱ بوده و سطح معناداری آن ۰/۰۱ است. چون سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است لذا با توجه به این نتیجه، خودپنداره بر قلدری دانش آموزان تاثیر مستقیم معناداری دارد. اثر مستقیم سبک فرزندپروری بر قلدری نیز معنادار است ( $p < ۰,۰۵$ ). همچنین اثر غیر مستقیم سبک فرزندپروری از طریق متغیر میانجی خودپنداره معنادار بر قلدری معنادار است ( $p < ۰,۰۵$ ). لازم به ذکر است که برای بررسی اثرات غیرمستقیم از روش بوت استرایپینگ (خودگران سازی) استفاده شد (هومن، ۱۳۸۴).

## بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل داده ها نشان داد مدل پیش بینی قلدری بر اساس سبک فرزندپروری ادراک شده با میانجی گری خودپنداره در دانش آموزان براساس داده های تجربی از برازش مطلوبی برخوردار است و روابط بین متغیرها معنی دار است. همچنین نتایج آزمون آماری نشان داد متغیر خودپنداره بر قلدری دانش آموزان دختر اثر مستقیم دارد ( $p < ۰,۰۵$ ). همسو با این یافته پژوهش حاضر، در مطالعه ای که (بن وهماکاران، ۲۰۱۴) انجام داد به این نتیجه رسید که قربانی انواع قلدری و مرتکب قلدری منفعل شدن به طور معنی داری با انواع مشکلات سلامت روان و مرتکب قلدری فعال شدن به و طور معنی داری با انواع مشکلات سلامت روان به جز اضطراب مرتبط است. این یافته را می توان در چارچوب نظریه راجرز (۱۹۷۱) تبیین کرد. بنا به نظر راجرز، خود پنداره فرد در نتیجه عمل متقابل با محیط و به خصوص در نتیجه ی متقابل ارزیابی شده با دیگران، ساخت «خود» تشکیل میگردد. بدین ترتیب نه تنها شکست ها و موفقیت های فرد در زندگی، بلکه تصور و نگرش مثبت و منفی اطرافیان در مورد فرد به عنوان عناصر ساخت «خود» عمل می کنند، که همین عناصر در نقش جدیدی برای ارتباط فرد با دنیای پیرامون عمل کرده و زمینه شکست و موفقیت از جمله زمینه ی شکست و موفقیت



تحصیلی فرد را هم فراهم می کند . خود پنداره به طور عمده محصولی اجتماعی است و حاصل برخورد اجتماعی است . راجرز معتقد است که شخص به طور معنی داری با مردم اطرافش مانند والدین ، برادران ، خواهران ، دوستان و معلمانش معاشرت دارد . در این رابطه وی پنداره خود را که به شدت مبتنی بر ارزیابی های دیگران است گسترش می دهد . کوتاه سخن آنکه : او خودش را بر اساس آنچه دیگران درباره اش فکر می کنند ارزیابی می کند، نه براساس آنچه که خود او احساس می کند ، بنابر نظریه ی راجرز فرد قویتا روی ارزیابی دیگران تاکید می کند . زیرا وی به توجه مثبت دیگران نیاز دارد .

بر اساس نظریه راجرز (۱۹۷۱) افراد به کمک خودپنداره است که به تدوینی از خویشتن می رسند که اگر این تعریف با واقعیت اجتماعی آنها در تعارض باشد حالت هایی مثل عدم پختگی، فشار روانی و مشکلات رفتاری و... را تجربه می کند. بنابراین هر چه خودپنداره فردی اشخاص با هنجارهای جامعه بیشتر مطابقت کند کمتر دچار قلدری و قربانی شدن می شود. از طرفی در تعریف قلدری نیز عنوان شده است که قلدری نوعی از پرخاشگری است که در آن یک یا تعدادی از دانش آموزان از روی عمد و مکرر، یک دانش آموز قربانی را که قدرت دفاع از خود را ندارد مورد اذیت و آزار جسمی یا روانی قرار می دهد و یا او را تهدید می کنند، می ترسانند یا به وسایلش آسیب می رسانند (ریگی، ۲۰۰۸)، بنابراین نتایج به دست آمده از این پژوهش قابل تبیین است. اورسر و همکاران (۲۰۱۱) رابطه بین قربانی شدن و زورگویی و متغیرهای روان شناختی را در بین دانش آموزان مقطع متوسطه بررسی کردند. به این نتیجه رسیدند که قربانیان زورگویی سلامت روانی و بهزیستی منفی تری را در مقایسه با کسانی که مورد زورگویی قرار نگرفته بودند، گزارش کردند.

از سویی و در تبیین اثر سبک فرزند پروری ادراک شده، با توجه به مطالب پیشین می توان که گفت که نگرش به رفتار زورگویانه یکی از پیش بینی کننده های رفتار زورگویانه است. بسیاری از دانش آموزان به این دلیل از رفتار زورگویانه استفاده می کنند که شیوه دیگری برای حل تعارضات بین فردی در خزانه رفتاری خود ندارند و در فرآیند بزرگ شدن در خانواده این نگرش را جذب کرده اند که بر تحقیر و مغلوب سازی دیگران و کسب جایگاه از این طریق ارزش خاصی قائل می شوند.

از محدودیت های پژوهش حاضر باید به این نکته اشاره کرد که مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی است لذا روابط به دست آمده را نمی توان به عنوان روابط علی تفسیر کرد. علاوه بر روابط به دست آمده در این پژوهش، ممکن است عوامل دیگری همچون مسائل اجتماعی و فرهنگی نتایج ما را تحت تأثیر قرار دهد. براین اساس پیشنهاد می شود که پژوهش در مورد قلدری دانش آموزان و پیشایند های آن در جوامعی به جز جامعه دانش آموزان انجام شود تا امکان مقایسه میزان اثر پذیری قلدری دانش آموزان از سبک های فرزندپروری ادراک شده در گروه ها و طبقات اجتماعی مختلف فراهم شود.

در مجموع و براساس یافته های پژوهش باید گفت که قلدری در محیط مدرسه به عنوان تهدید جدی برای رشد سلامت روان و اجتماعی دانش آموزان و نوجوانان مشخص شده است و پیامدهای زیانبار از جمله ترک تحصیل، افت تحصیلی، افسردگی، خشم، خودکشی و بزهکاری را به دنبال دارد. که نیازمند آگاهی و توجه بیشتر همه نهادهای آموزشی می باشد و لازم است والدین و معلمان و مسئولان آموزشی در مورد این مشکل و علل و پیشگیری آن اطلاعات و آگاهی لازم را بدست آورند و با آموزش مهارت های حل تعارض بین فردی و نیز آگاهی دادن به دانش آموزان درباره ی پیامدهای استفاده از پرخاشگری در حل تعارضات برای خود و دیگران، میزان تمایل آنها به استفاده

از راهبردهای زورگویانه را کاهش دهند و انجام پژوهش‌های جدی و مؤثر در این زمینه ضروری است. و بیاد داشته باشیم که دانش‌آموزان حق دارند در محیط عاری از تنش به تحصیل بپردازند.

## **Abstract**

**Introduction:** Today, schools are increasingly concerned about students' behavioral disorders such as violence, disciplinary issues, bullying, and destructive and brazen behaviors.

**Statement of Problem:** One of the important questions is why adolescents engage in behaviors such as bullying? Parents are the first to communicate with the child and have the most influential encounters and interactions in shaping the structure of the child's future life. Children's perception of this type of interaction is much more important than the practical experience of such interactions.

**Object:** The aim of the present study was to predict bullying based on perceived parenting style through mediation role of self-concept in students.

**Methods:** The present study was descriptive and correlational and structural equation modeling method. The statistical population of high school students was studying in the second grade of high school in Tehran in the academic year of ۲۰۱۸-۱۹. A total of ۲۹۰ students were selected by cluster sampling. The research instruments included Grolink's perceived parenting questionnaire (۱۹۹۷), Rogers' self-concept questionnaire (۱۹۷۷), and Illinois' (۲۰۰۱) bullying scale. Structural equation modeling was used to analyze the data.

**Results:** The results of the statistical test showed that the fit indicators of the research model were in good condition. Also, the variable parenting variable on bullying had both a direct and an indirect effect (through self-concept) ( $p < 0,05$ ). Self-concept also directly affects bullying ( $p < 0,05$ ).

**Conclusion:** The results of the present study confirmed the need to pay attention to the perceived parenting style as a family variable in predicting bullying behaviors in students in the country's schools.

**Keywords:** bullying, perceived parenting styles, self-concept

## **فهرست منابع**

حسین چاری، مسعود؛ دلاور پور، محمد آقا و دهقانی، یوسف. (۱۳۸۶). نقش شیوه‌های فرزندپروری فرزندان در کم‌رویی دانش‌آموزان دبیرستانی. *مجله روانشناسی معاصر*، ۲(۲)، ۲۱-۳۰.

گلدنبرگ، ایرنه؛ گلدنبرگ، هربرد. (۱۹۹۰). خانواده درمانی پایه. ترجمه ی حمیدرضا حسین شاهی و سیامک نقشبندی (۱۳۹۳). تهران: روان.

گنتری، دوپل. (۲۰۰۷). مدیریت خشم، راهنمای کاربردی برای همگان. ترجمه منصور بیرامی و پروانه علائی (۱۳۹۰). تهران: نیک ملکی.

هومن، ح. ع. (۱۳۸۰). تحلیل داده های چند متغیری در پژوهش رفتاری. تهران: پیک فرهنگ.

Day, J. K., Snapp, S. D., & Russell, S. T. (۲۰۱۶). Supportive, not punitive, practices reduce homophobic bullying and improve school connectedness. *Psychology of Sexual Orientation and Gender Diversity*, ۳(۴), ۴۱۶-۴۲۵.

Dussich, J. P. J., & Maekoya, Ch. (۲۰۰۷). Physical Child Harm and Bullying-Related Behaviors: A comparative study in Japan, South Africa, and the United States. *Offender Therapy and Comparative Criminology*, ۵۱ (۵), ۴۹۵-۵۰۹.

Grant, N. J., Merrin, G. J., King, M. T., & Espelage, D. L. (۲۰۱۹). Examining within-person and between-person associations of family violence and peer deviance on bullying perpetration among middle school students. *Psychology of Violence*, ۹(۱), ۱۸-۲۷.

Haltigan, J. D., & Vaillancourt, T. (۲۰۱۴). Joint trajectories of bullying and peer victimization across elementary and middle school and associations with symptoms of psychopathology. *Developmental Psychology*, ۵۰(۱۱), ۲۴۲۶-۲۴۳۶.

Rudasill, K. M., Gallagher, K. C. & White, J. M. (۲۰۱۰). Temperamental attention and activity, classroom emotional support, and academic achievement in third grade. *School Psychology*, ۴۸, ۱۱۳-۱۳۴.

Shaw, T., Dooley, J. J., Cross, D., Zubrick, S. R., & Waters, S. (۲۰۱۳). The Forms of Bullying Scale (FBS): Validity and reliability estimates for a measure of bullying victimization and perpetration in adolescence. *Psychological Assessment*, ۲۵(۴), ۱۰۴۵-۱۰۵۷.

Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (۲۰۰۷). *Using Multivariate Statistics*. (۴th ed). New-York: Harper and Row.

Wienke Totura, Ch. M., MacKinnon-Lewis, C., Gesten, E. L., Gadd, R., Divine, K. P., Dunham, Sh. & Kamboukos, D. (۲۰۰۹). Bullying and victimization among boys and girls in middle school: The influence of perceived family and school contexts. *Early Adolescence*, ۲۹(۴), ۵۷۱-۶۰۹.